



عنایت امام حسین(ع) برای تولد «آخوند همدانی» / مزار استاد سیدجمال کجاست

رمضان‌علی در کنار بارگاه سیدالشهدا(ع) نذر کرد اگر خداوند پسری به او عنایت کند، نامش را در زمره غلامان آن حضرت ثبت کند.

رمضان‌علی در کنار بارگاه سیدالشهدا(ع) نذر کرد اگر خداوند پسری به او عنایت کند، نامش را در زمره غلامان آن حضرت ثبت کند. به همین دلیل وقتی فرزند پسری به آن‌ها عنایت شد، نامش را حسینقلی (نوکر امام حسین) گذاشتند.

به گزارش خبرنگار تاریخ خبرگزاری فارس، آیت‌الله مولی حسینقلی همدانی، معروف به «آخوند»؛ و «آخوند همدانی»؛ عارف، حکیم و فقیه بزرگ شیعه در شانزدهمین روز از اسفند 1272 شمسی (28 شعبان 1311 قمری) در هفتاد سالگی به لقاءالله پیوست و در کربلای معلی به خاک سپرده شد. مزار وی در صحن مطهر امام حسین(ع) در حجره چهارم قرار دارد.

* نسب آخوند همدانی

نسب آخوند ملا حسینقلی همدانی به جابر بن عبدالله انصاری صحابی مشهور پیامبر(ص) می‌باشد.

آخوند همدانی فرزند رمضان‌علی چوپان بود که بعد به شغل پینه دوزی (کفاشی) روی آورد.

در اوایل زندگی، رمضان‌علی از داشتن فرزند محروم بود تا این که توفیق زیارت امام حسین(ع) برای او حاصل شد. رمضان‌علی در کنار بارگاه ملکوتی امام حسین(ع) نذر کرد که اگر خداوند متعال فرزند پسری به او عنایت کند، نامش را در زمره غلامان آن حضرت ثبت کند و او را برای ترویج مذهب جعفری تربیت کند.

پس از مراجعت از کربلا، دعای او به هدف اجابت رسید و نذرش مقبول درگاه خداوندی قرار گرفت. خداوند متعال به او دو فرزند پسر عنایت کرد که اولی را حسینقلی (نوکر امام حسین) و فرزند دوم را کریم‌قلی نامید.

* تحصیلات ملا حسینقلی همدانی

آخوند ملا حسینقلی همدانی پس از گذراندن ایام کودکی در زادگاه خویش، دروس ابتدایی را نزد استادان آن منطقه فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیلات به تهران رفت.

بعد از اقامت چند ساله در تهران، عشق و علاقه به حکمت و علوم عقلی او را به شهر سبزوار کشاند.

او در مکتب فیلسوف بزرگ و پرآوازه ایرانی، ملاهادی سبزواری شرکت کرد و از خرمن پرفیض آن حکیم عارف بهره برد.

البته به قول استاد مطهری، بیشتر از آنکه آخوند باید افتخار کند که شاگرد حکیم سبزواری بود، حکیم سبزواری باید افتخار کند که شاگردی مانند آخوند ملا حسینقلی همدانی داشت.

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در این زمینه می‌گوید: «بزرگترین حسنه حکیم سبزواری، مرحوم حکیم ربانی، عارف کامل الهی، فقیه نامدار، آخوند ملا حسینقلی همدانی درجینی - قدس سره - است. این مرد بزرگ و بزرگوار که فرزند یک چوپان پاک سرشت بود، برای ادامه تحصیل از همدان به تهران آمد. جاذبه معنوی حکیم سبزواری او را به سبزواری کشانید. مدتی که تاریخ و مقداری را فعلاً نمی‌دانم، در حوزه آن حکیم شرکت کرد»

اگر همه شاگردان حوزه حکیم سبزواری به حضور وی در حوزه او افتخار می‌کنند، حوزه حکیم به حضور چنین مردی مفتخر است.

آخوند ملا حسینقلی همدانی برای ادامه تحصیلات به نجف اشرف مشرف شد و به حلقه درس شیخ مرتضی انصاری (ره) پیوست.

او در مکتب شیخ انصاری به آن پایه از مقام فقهی رسید که او را از «اکابر فقهاء شیعه» قلمداد کردند. آخوند همدانی بعد از ارتحال شیخ انصاری، به تدریس درس خارج فقه و اصول پرداخت و برخی از شاگردانش مباحث فقهی وی را تقریر کرده‌اند.

* آشنایی آخوند ملا حسینقلی همدانی با سیدعلی شوشتری

آخوند ملا حسینقلی همدانی علاوه بر تحصیل فقه و اصول و علوم رایج حوزه، به تهذیب نفس و کسب کمالات معنوی پرداخت و در درس آقا سید علی شوشتری که بزرگترین مربی اخلاق و عرفان آن عصر بود، شرکت کرد و در زمره شاگردان خصوصی آن بزرگوار محسوب شد.

طریقه آشنایی آخوند ملا حسینقلی همدانی با آقا سید علی شوشتری از زبان آخوند چنین است:

«مدتی بود که در نجف اشرف به درس شیخ انصاری حاضر می‌شدم؛ روزی چهارشنبه به منزل آقا سید علی شوشتری می‌رودم، من نیز روزی بدانجا رفتم و شیخ را دیدم که چون شاگردان نشسته و سید هم بر مسند استادی جای گرفته بود.

با خود گفتم که من نیز باید همیشه به این درس حاضر شوم. چون برخاستم. سید رو به من کرد و گفت: اگر خواستی تو نیز بیا و از آن روز به بعد پیوسته به حضورش شرفیات شده و بهره‌ها بردم.»

علاقه استاد بزرگ عرفان، سید علی شوشتری به آخوند چنان بود که وقتی آخوند در مدرسه سلیمییه به مرض صعب العلاجی دچار می‌شد، صد تومان به پزشک حاذقی می‌دهد که او را درمان کند. در آن زمان ثروت کم و تر کسی در نجف به صد تومان می‌رسید.

آخوند ملا حسینقلی همدانی با راهنمایی این استاد عارف، توانست بعد از رحلت شیخ انصاری، مشغول تربیت جان‌های مشتاق و دل‌های آماده شود.

* استادان آخوند همدانی

مهمترین استادان ملا حسینقلی همدانی عبارتند از:

1. شیخ عبدالحسین طهرانی

2. حاج ملاهادی سبزواری

3. شیخ مرتضی انصاری

4. سید علی شوشتری

* توصیه مهم سیدعلی شوشتری به آخوند همدانی

آخوند ملا حسینقلی همدانی پس از رحلت شیخ انصاری، تصمیم جدی گرفته بود که تدریس خارج فقه و اصول را به صورت گسترده و همگانی آغاز کند و برای همین منظور به تنظیم و تکمیل تقریرات درس شیخ همت گماشت، اما تدبیر الهی سرنوشت دیگری برای او رقم زده بود.

در همان ایام، نامه‌ای از طرف استادش، سید علی شوشتری به او رسید که او را از تدریس فقه و اصول به صورت گسترده و همگانی بازداشت. استادش به او توصیه نمود که محور اصلی فعالیت‌هایش را بر ایجاد مکتب اخلاق و عرفان قرار دهد.

بر این اساس، آخوند ملا حسینقلی همدانی توصیه استاد را پذیرفت و تربیت نفوس مستعد را آغاز نمود.

او با گردآوردن عالمانی مجاهد و مؤمنان مخلص، مشغول تربیت و تهذیب اخلاق آنها شد و توانست عارفان بزرگی را پرورش دهد که جزو افتخارات تشیع به شمار می‌آیند.

حوزه پر برکت عارف بزرگ آخوند ملا حسینقلی همدانی که حدود 30 سال دوام یافت، آن چنان پربار بود که امروزه بعد از گذشت یک قرن از رحلت آن عارف کامل، شاهد آثار و برکات معنوی مکتب تربیتی او هستیم.

* حال و هوای درس آخوند ملا حسینقلی همدانی

آن عارف بزرگ، گاهی در اثنای درس از بیم آنکه سخنان علمی و لذت تدریس او را از یاد یار و فیض حضور باز دارد و از مبدأ هستی غافل سازد، لحظاتی را به سکوت می‌گذرانید.

به هنگام تدریس، شاگردانش آن چنان تحت تأثیر سخنان او قرار می‌گرفتند که خویش را از یاد می‌بردند و ساعت‌ها محو روحانیت کلام استاد می‌شدند.

علامه طباطبایی (ره) نقل می‌کند: «مرحوم آقا سید علی قاضی می‌فرمود: در ایام تشریف به نجف اشرف، روزی در معبری فردی را دیدم که کنترل کافی بر خویش نداشت. از یکی پرسیدم: آیا این مرد اختلال فکر و حواس دارد؟ در پاسخ گفت: خیر، او هم اکنون از جلسه درس اخلاق آخوند ملا حسینقلی همدانی برخاسته است و این از خود بی‌خودی که در او مشاهده می‌شود، تأثیر کلام و تصرف روحی آن جناب است.»

* تربیت 300 ولی خدا از کرامات آخوند همدانی است

یکی از مهمترین کرامات آخوند ملا حسینقلی همدانی توفیق کم نظیریش در تربیت شاگرد بود به طوری که گفته‌اند سیصد تن از اولیاء الله - بزرگانی مانند آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، شیخ محمد بهاری همدانی، سید احمد کربلایی که استاد عرفان سید علی آقا قاضی بود - در محضر انوار او تربیت شدند. (برخی گفته‌اند این سیصد نفر، شاگرد و شاگرد شاگرد هستند)

شیخ آقا بزرگ تهرانی که دو سال بعد از رحلت آخوند همدانی وارد عراق شد، در مورد شعاع وسعت حوزه اخلاقی آخوند ملاحسینقلی همدانی می‌نویسد: «او شاگردانی پرورش داد که ستارگان زینت بخش آسمان علم و فضیلت شمرده می‌شود. من هر چند محضر او را درک نکردم و تشریف به حضورش نصیب نشد، ولی عده زیادی از شاگردانی که شب و روز با او بودند و به سعادت ابدی نائل شدند، را درک کردم. آخوند آنها را از آلودگی‌های این زندگی پاک کرده بود. آنها علم را با عمل آمیخته بودند و من اثر تربیت نیکوی او را به صورت روشن در چهره آنها دیدم. او حق بزرگی بر بیشتر علمای طبقه بعد از خود، از کسانی که من دیده‌ام دارد.»

* شاگردان آخوند همدانی

برخی از شاگردان آخوند عبارتند از:

1. شیخ محمد بهاری همدانی (متوفای: 1325 ه.ق) او از اصحاب خاص آخوند ملا حسینقلی همدانی بود.

سید احمد کربلایی می‌گوید: ما پیوسته در خدمت مرحوم آیت الحق، آخوند ملا حسینقلی بودیم و آخوند صد در صد برای ما بود، ولی همین که آقای شیخ محمد بهاری با آخوند آشنا گردید، آخوند را از ما ربود.

2. آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (متوفای: 1343 ه.ق): او از استادان علم عرفان و از مربیان بزرگ سیر و سلوک محسوب می‌شود.

مرحوم ملکی تبریزی استاد اخلاق و عرفان امام خمینی (ره) بود. امام خمینی آن چنان به او ارادت می‌ورزید که هنگام بازگشت از پاریس به ایران، در قم به قبرستان شیخان رفته و با کمال تواضع با تحت

الحنک عمامه خویش - با آن که همیشه دستمال همراه داشت - غبار سنگ قبر استاد را زدود و به قرائت فاتحه و تلاوت قرآن پرداخت.

3. سید احمد کربلایی طهرانی (متوفا: 1332 ه.ق): او از بزرگان اهل عرفان است و شاگردان مهمی در این رشته تربیت کرده است که علامه آقا سید علی قاضی، معروف و برجسته‌ترین استاد عرفان در عصر ما یکی از برجسته‌ترین تربیت یافتگان مکتب اوست.

4. سید محمد سعید حیوبی. او از ملازمان آخوند بود و در ادبیات بسیار مهارت داشت و شعر نیز می‌سرود.

این عارف سالک علاوه بر سیرو سلوک معنوی، در مسائل اجتماعی و سیاسی مسلمانان حضور فعال داشت و در انقلاب 1920 عراق، تحت رهبری شیخ محمد تقی شیرازی لباس رزم پوشید و در جبهه جنگ حاضر شد و حماسه‌ها آفرید.

5. سید عبدالحسین موسوی لاری. او از مبارزان سرسخت علیه استعمار انگلیس به شمار می‌رفت.

6. سید جمال الدین اسدآبادی

استاد مطهری می‌نویسد: سید جمال در نجف از محضر حکیم متأله، فیلسوف عالیقدر و عارف بزرگ آخوند ملا حسینقلی همدانی درجزینی شوندی بهره‌مند شده است. سید جمال در حضور او با علوم عقلی و مسائل معنوی و عوامل عرفانی آشنا شده است. این بنده از وقتی که به این نکته در زندگی سید پی بردم، شخصیت سید در نظرم بعد دیگر و اهمیت دیگری پیدا کرد.

7. سید حسن صدر الدین عاملی، نویسنده تکمله امل الآمل.

8. شیخ محمد باقر نجم آبادی.

9. آقا سید کمال دولت آبادی.

10. سید علی همدانی.

11. سید ابوالقاسم اصفهانی (داماد آخوند).

12. سید محمد تقی اصفهانی.

13. شیخ آقا رضا تبریزی.

14. حاج شیخ علی قمی.

15. سید محمد تقی شاه عبدالعظیمی.

16. سید محمود طالقانی نجفی.

17. شیخ موسی شراره عاملی.

18. سید عبدالغفار مازندرانی.

19. شیخ باقر قاموسی نجفی.

20. شیخ علی، فرزند آخوند.

21. سید محسن امین عاملی، نویسنده اعیان الشیعه.

22. سید مهدی حکیم نجفی.

23. میرزا باقر قاضی طباطبایی.

24. حاج میرزا ابوالقاسم معین الغریاء.

25. منصور علی کیوان قزوینی، نویسنده رساله راز گشا.

26. سید مرتضی کشمیری.

27. غلامحسین رشتی.

28. حاج علی محمد نجف آبادی.

29. آقا سید علی عرب.

تالیفات آخوند ملا حسینقلی همدانی:

1. تقریرات دروس فقه و اصول شیخ انصاری.

2. صلاة المسافر.

3. تقریرات درس فقه: در مبحث رهن که توسط یکی از شاگردانش نوشته شده و در کتابخانه مرحوم محدث نوری موجود است.

5. امالی: در موضوع اخلاق که بعضی از شاگردانش آن را جمع آوری نموده‌اند.

6. تقریرات درس آقا سید علی شوشتری، که به حسینیه شوشتری‌ها و نجف وقف شده است.

7. مکاتبات و دستور العمل‌ها: میرزا اسماعیل تبریزی آنها را جمع کرده و در آخرت کتاب تذکره المتقین به چاپ رسیده است.

کمالات معنوی و کرامات روحی آخوند ملا حسینقلی همدانی

* نفوذ کلام و تأثیر نفس عجیب آخوند

تأثیر کلام و نفس آخوند چنان بود که با یک سخن، مخاطب خویش را تحت تأثیر قرار می‌داد. او در پیمودن راه حقیقت و سلوک در طریق الهی، دارای عزمی راسخ و همتی والا بود. به همین جهت، کلام و نگاهش هر شنونده و بیننده‌ای را متأثر می‌ساخت.

آیت الله نجابت شیرازی در شرح گلشن راز می‌نویسد: «آقا شیخ مجتبی لنگرانی یک زمانی برای بنده نقل کرد که شیخ علی قمی با پدر من همدرس بود. آن دو از خوش‌پوش‌ها، حوزه نجف محسوب می‌شدند. یعنی بهترین لباس‌ها را این‌ها می‌پوشیدند. چون درسشان هم خیلی خوب بود، در حوزه نجف مشارالیه بودند که درس را خوب می‌فهمند. به هیچ کس هم اعتنایی نمی‌کردند. یک روز آخوند ملا حسینقلی - رضوان الله تعالی علیه - در صحن نشسته بود. در این اثنا، آقا شیخ علی قمی از در قبله وارد حرم می‌شود.

چشم مبارک آخوند ملا حسینقلی به او می‌افند؛ شیخ علی به سر می‌دود تا می‌آید پهلوی آقا. آخوند ملاحسینقلی یک دقیقه در گوش او صحبت می‌کند. چه گفت؟ خدا می‌داند: دیگران هم نفهمیدند.

شیخ علی قمی عقب عقب بر می‌گردد؛ توی درس هم قفل می‌زند به دهنش، یعنی این لذت سخن گفتن در درس از سرش پریده بود، لذت لباس‌های پاک و پاکیزه و گران‌قیمت از سرش پریده بود، تا آخر عمرش که او را می‌دیدیم، تمام لباس‌هایش کرباس بود.

چو خورشید جهان بنمایدت چهر نماند نور ناهید و مه و مهر

* ماجرای اشعار ناقوسیه

آخوند ملا حسینقلی همدانی در یکی از سفرهای خود، با جمعی از شاگردان به عتبات عالیات می‌رفت.

در بین راه، به قهوه‌خانه‌ای رسیدند که جمعی از اهل هوی و هوس در آن جا می‌خواندند و پایکوبی می‌کردند.

آخوند به شاگردانش فرمود: یکی برود و آنان را نهی از منکر کند.

بعضی از شاگردان گفتند: اینها به نهی از منکر توجه نخواهند کرد.

فرمود: من خودم می‌روم. وقتی که نزدیک شد، به رئیسشان گفت: اجازه می‌دهید؟ فرمایید من هم بخوانم، شما بنوازید؟ رئیس گفت: مگر شما بلدی بخوانی؟ فرمود: بلی. گفت: بخوان.

آخوند شروع به خواندن اشعار ناقوسیه حضرت امیر مؤمنان - علیه السلام - کرد.

لا اله الا الله / حقا حقا صدقا صدقا

ان الدنيا قد غرتنا / واشتغلتنا و استهوتنا

يابن الدنيا مهلا مهلا / يابن الدنيا دقا دقا ...

آن جمع سرمست از لذت‌های زودگذر دنیوی، وقتی این اشعار را از زبان کیمیا اثر آن عارف هدایتگر شنیدند به گریه در آمده و به دست ایشان توبه کردند.

یکی از شاگردان می‌گوید: وقتی که ما از آن جا دور می‌شدیم، هنوز صدای گریه آنها به گوش می‌رسید.

* عفو و گذشت آخوند ملا حسینقلی همدانی

علامه طهرانی از نوه آخوند نقل می‌کند: در یکی از سفرهای زیارتی که آخوند با اصحابشان پیاده به کربلا مشرف می‌شدند، در راه، راهزنان بیابانی اموال ایشان را غارت کرده و هر چه دارند، ربایند.

سپس که عارف همدانی را می‌شناسند، به حضورشان آمده و هر چه ربوده بودند، تقدیم کرده و معذرت می‌خواهند.

آخوند ملا حسینقلی فقط کتابهای وقفی را که ربوده بودند، پس می‌گیرد و بقیه کتب و اموال را نمی‌گیرد و می‌فرماید: به مجرد سرفقت، من ایشان را حلال کردم؛ چو راضی نشدم به

واسطه من خداوند کسی را در آتش دوزخ بسوزاند و نمی‌زنم؛ خواهی به خاطر من لقمه حرام از گلوی کسی پائین برود و موعظه در او بی‌اثر باشد.

صبر و بردباری و زحمت 22 ساله آخوند ملا حسینقلی همدانی

آیت الله علامه حسن زاده آملی می‌گوید: حضرت آیت الله ملا حسینقلی همدانی بعد از 22 سال مجاهده با نفس و صبر و بردباری، نتیجه گرفت و آنها که دیر نتیجه می‌گیرند، پخته و صابر می‌شوند. باید صابر بود و یکی از کمالات آخوند، صابر بودن است.

علامه در جای دیگر می‌فرماید: مرحوم آخوند مولی حسینقلی همدانی (رضوان الله تعالی علیه) در حکمت از شاگردان مرحوم حکیم متاله ملا هادی سبزواری است، و در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی شوشتری. جناب آخوند ملا حسینقلی بعد از بیست و دو سال سیر و سلوک نتیجه گرفت و به مقصود رسید. و خود آن جناب گفت: در عدم وصول به مراد سخت گرفته بودم تا روزی در نجف در جایی (گویا در گوشه ایوانی) نشسته بودم، دیدم کیبوتری بر زمین نشست و پاره نانی بسیار خشکیده را به منقار گرفت و هر چه نوک می‌خورد نمی‌زد خورد نمی‌شد، نان را ترک گفت و پرواز کرد و برفت؛ پس از چندی باز گشت، به سراغ آن تکه نان آمد باز چند بار آن را نوک زد و شکسته نشد، باز برگشت و بعد از چندی آمد و بالأخره آن تکه نان را با منقارش خورد کرد و بخورد، از این عمل کیبوتر ملهم شدم که اراده و همت می‌باید.

تواضع و فروتنی آخوند ملا حسینقلی همدانی

آیت الله آقا سید علی عرب که حدود 11 سال ملازم محضر آخوند ملا حسینقلی همدانی بود، در مورد حالات و کمالات استاد خویش می‌گوید: روزی به قصد زیارت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام -، همراه آن بزرگوار وارد حرم مقدس شدیم.

آخوند ملا حسینقلی همدانی مشغول نماز زیارت شد. به علت ازدحام جمعیت، بدن آخوند هنگام نماز مقداری تکان می‌خورد. آن جا آقا شیخی از اهل مازندران بود که آخوند را نمی‌شناخت، گفت: این آقا چرا موقع نماز طمأنینه لازم را ندارد؟

من در پاسخ گفتم: ایشان پیرمرد است، نماز هم که نماز مستحب است. او قانع نشد و تصمیم داشت مطلب خود را به خود آقای آخوند متذکر شود.

رفت خدمت آقا و عرض کرد: آقا! هنگام نماز، بدنتان طمأنینه لازم را نداشت! آخوند متوجه شد که او با زحمت حرف خود را بیان می‌کند، به او فرمود: چرا تذکر خود را با مشکل بیان می‌کنی؟ شما باید به من بگویید: آخوند تو چند وقت است نجف هستی، هنوز متوجه نشده‌ای که در نماز باید طمأنینه را رعایت نمود. تذکر تو بجاست و نباید چیزی مانع آن شود!

ایشان در خاطره دیگری، در مورد تواضع آن عارف فرزانه می‌گوید: وقتی در خدمت آقای آخوند وارد مسجد سهله شدیم، افرادی زیادی از اصحاب آن بزرگوار تشریف داشتند. در زاویه مسجد وقتی متوجه شدند آیت الله حاج آقا رضا همدانی مشغول نماز مغرب هستند، آقای آخوند متواضعانه به همراهان فرمود: به ایشان اقتدا کنیم و نماز را با ایشان بخوانیم.

* رازپوشی آخوند ملا حسینقلی همدانی

شیخ محمد رازی در این رابطه، از زبان یکی از شاگردان آخوند نقل می‌کند: آخوند ملا حسینقلی همدانی که مربی اخلاق و عالم ربانی و سالک حقیقی و دارای کرامات و صاحب مکاشفات و منامات بود، هر وقت به حرم مطهر امیرمؤمنان، علی - علیه السلام - مشرف می‌شد، با آداب خاص و خضوع و خشوع مخصوص می‌رفت و هنگام خروج، عبا را به سر انداخته و سر به زیرافکنده و با عجله به منزل خود می‌رفت.

ما از نحوه تشریف آن چنانی و از برگشتن این چنین وی در تعجب بودیم، تا روزی در صحن مطهر مراقب ایشان بودم.

وقتی به آن کیفیت بیرون آمد و به شتاب رفت، سر راه را بر او گرفته و به صاحب قبر مطهر علوی - علی مشرفها السلام - سوگند دادم که علت آن گونه تشرف و این گونه مراجعت چیست؟

گفت: اما آن گونه تشرف وظیفه هر کسی است که عارف به مقام ولیّ الله اعظم، امیرمؤمنان - علیه‌السلام - باشد که با کمال خضوع و خشوع مشرف گردد و اما علت این گونه مراجعت برای این است که اثر تشرف با معرفت به حضور و پیشگاه حضرت علی - علیه‌السلام - عوض شدن و رنگ ولایت گرفتن و باز شدن چشم و گوش ملکوتی است و چون حقایق و باطن اشیاء و اشخاص برایم منکشف می‌گردد، نمی‌خواهم چشم من به یکی از دوستانم بیفتد که مبدا آنها را به غیر صورت انسان ببینم و رازهای پنهانی و عیوب نهانی آنان پیش من فاش شود و در نتیجه نفس من از آنان مکدر شده و نسبت به او در من تنفر ایجاد گردد، دل می‌خواهد سر آنها حتی در پیش نفس من پوشیده بماند.

* ماجرای تجرد برزخی شاگرد به دست آخوند

آیت الله میرزا جواد آقای ملکی تبریزی، مدّت چهارده سال ملازم آخوند مولی حسینقلی همدانی رضوان الله علیه بوده‌اند. مرحوم حاج میرزا جواد آقا می‌فرمودند: که روزی استاد به من فرمود تربیت (فلان کس) به عهده شما است. و آن شاگرد بسیار همتی عالی و سعی بلند و رَسا داشت شش سال در مراقبت و مجاهدت دوران مقدماتی تجرد را پیمود و قابلیت افاضه مقام تجرد را پیدا نمود.

خواستم به دست استاد بدین خلعت مخلّع گردد او را نزد اوستاد خود بردم عرض کردم: این آقا کار خود را انجام داده و مطلوب آنست که به دست مبارک بدین فیض نایل آید.

مرحوم آخوند رضوان الله علیه با دست مبارک خود اشاره‌ای فرمودند و گفتند: تجرد مثل این است.

آن شاگرد می‌گوید: فوراً دیده شد که من از بدنم جدا شده‌ام و تمام بدن خود را در کنار خود به همان حال که بودیم مشاهده می‌نمودم.

* پناه بردن به خداوند برای حل مشکلات علمی

آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در این مورد می‌فرماید: استادمان - ملا حسینقلی همدانی - به ما توصیه می‌کرد که وقتی در مسائل علمی متحیر شدید و برایتان مشکلی پیش آمد، به خداوند ملتجی شده و به پیشگاه حضرتش تضرع نمایید و این برای ما به تجربه ثابت شده است.

* راه عرفان، عمل به شریعت است

آخوند ملا حسینقلی همدانی مانند سایر عرفای بزرگ معتقد است که راه عرفان از شریعت می‌گذرد و حرف کسانی که خود را به عرفا چسبانده‌اند ولی واقعا عارف نیستند مبنی بر اینکه هر کس عارف باشد نیاز به شریعت ندارد، کاملاً غلط و نادرست است.

آخوند همدانی در این زمینه می‌فرمود: به جز التزام به شرع شریف در تمام حرکات، سکنتات، تکلمات، لحظات و غیرها راهی به قرب حضرت ملک الموت جلّ جلاله نیست و به خرافات ذوقیه (اگر چه ذوق در غیر این مقام خوبست) آن طور که عادت جهال صوفیه (خدّکهم الله جلّ جلاله) می‌باشد، راه رفتن چیزی جز دوری از حضرتش را در بر ندارد؛ حتی شخصی هر گاه ملتزم به نزدن شارب و نخوردن گوشت بوده باشد، اگر ایمان به عصمت ائمه اطهار - علیهم السلام - آورده اشد، باید بفهمد که از حضرت احدیت دور خواهد شد.